

## ارزیابی اثربخشی سیاست هدفمندی یارانه‌ها بر فقر

محسن جلالی\*

### چکیده

در آذر ماه سال ۱۳۸۹ برنامه اصلاح اقتصادی که از آن با عنوان برنامه هدفمندی یارانه‌ها نیز یاد می‌شود، به منظور ساماندهی یارانه‌های غیرمستقیم آغاز شد. از ویژگی‌های این برنامه اقتصادی، پرداخت مستقیم یارانه‌ها به خانوارها است. در طول اجرای این برنامه بسیاری از خانوارها، صرف‌نظر از گروه درآمدی که به آن تعلق دارند، از مزایای این پرداخت بهره‌مند شده‌اند؛ هرچند که در سال‌های اخیر شاهد کاهش جزئی دریافت یارانه‌ها در گروه‌های پردرآمد هستیم. هدف اصلی این پژوهش ارزیابی تأثیر این مبالغ پرداختی بر فقر در دوره اجرای این برنامه (۹۵-۱۳۸۸) است. برای این منظور، شاخص‌های عددی فقر شامل شاخص‌های SST, CHU, FGT و روش‌های ترتیبی محاسبه و ارزیابی می‌شوند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که این سیاست در سال‌های اولیه اجرا موجب کاهش فقر شده، اما این اثربخشی در طی زمان از بین رفته است.

واژگان کلیدی: هدفمندی یارانه‌ها، شاخص‌های فقر، رتبه‌بندی فقر، منحنی TIP.

طبقه‌بندی JEL: D63, I32.

## ۱. مقدمه

حمایت از اقشار محروم جامعه از وظایف مهمی است که در تمام کشورهای جهان مورد توجه سیاستمداران و حاکمان جامعه است. این سیاست در سال‌های اخیر در اقتصاد ایران در قالب طرح تحول اقتصادی مورد توجه قرار گرفته و از اواخر آذر ماه سال ۱۳۸۹ به عنوان یکی از سیاست‌های مهم و راهبردی دولت در حوزه اقتصاد آغاز شده است. از اهداف مهم دولت از اجرای این سیاست، در کنار خط‌مشی‌های دیگری مانند اصلاح قیمت حامل‌های انرژی و اصلاح و ارتقای کارایی و بهره‌وری اقتصادی، هدایت یارانه‌ها به سمت جامعه هدف است. به بیان دیگر، بهبود وضعیت اقشار محروم و فقیر در جامعه رویکردی است که در اجرای این طرح مورد توجه سیاستگذار بوده است. با توجه به اجرای این طرح و پی‌آمدهای اجتماعی و اقتصادی آن، موضوع چگونگی استمرار این سیاست بر اساس فرآیندی که در حال حاضر در کشور اجرا می‌شود و یا اعمال تمهیداتی خاص در جهت ارتقای اثربخشی آن از منظر حمایت از اقشار محروم و کم‌درآمد جامعه، مبحثی است که لازم است مورد بررسی و تأمل بیشتر قرار گیرد. در این خصوص، قابل ذکر است که چنانچه اعمال این سیاست با توجه به هزینه‌های گزاف اجرای آن موجب کاهش مؤثر فقر نشود، لازم است شیوه‌های اجرایی و مدیریتی آن بازنگری شود. البته در این زمینه ملاحظات اجتماعی و سیاسی ناشی از قطع و یا تعدیل سیاست پرداخت یارانه‌ها نیز می‌بایست مورد توجه قرار گیرد.

هدف اصلی این پژوهش، بررسی اثربخشی پرداخت یارانه‌های مستقیم به خانوارها در دوره اجرا و از منظر تأثیر آن بر فقر عمومی با استفاده از شاخص‌های عددی متداول و روش‌های رتبه‌بندی سنجش فقر است. به‌طور خلاصه فرضیه‌ای که در این پژوهش به بررسی آن خواهیم پرداخت، پاسخ به این پرسش اساسی است که آیا سیاست پرداخت یارانه‌ها بر کاهش فقر مؤثر بوده است یا خیر.

این مقاله در پنج بخش سازماندهی شده است؛ در بخش دوم، به بررسی تجربیات و مطالعات انجام‌شده در خصوص سیاست پرداخت مستقیم یارانه‌ها در کشورهای دیگر خواهیم پرداخت. همچنین، نتایج پژوهش‌ها و مطالعات انجام‌شده درباره اجرای این سیاست در اقتصاد ایران که توسط پژوهشگران در داخل و خارج از کشور انجام شده است، ارائه خواهد شد. در بخش سوم، به بررسی

روش‌شناسی استفاده‌شده در مقاله اشاره می‌شود. در بخش چهارم، نتایج به‌دست‌آمده در این پژوهش ارائه و بررسی می‌شود. سرانجام در بخش پایانی به جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و ارائه توصیه‌های سیاستی خواهیم پرداخت.

## ۲. مروری بر پیشینه پژوهش و تجربیات کاربردی

در این قسمت از مقاله، به بررسی تجربیات کشورهای دیگر و توصیه‌های مجامع بین‌المللی در خصوص سیاست پرداخت مستقیم یارانه، پرداخته می‌شود. همچنین، نتایج مطالعات انجام‌شده در این خصوص در اقتصاد ایران که توسط پژوهشگران در داخل و خارج از کشور انجام‌شده نیز بررسی و ارائه می‌شود.

به‌طور کلی، سیاست پرداخت یارانه‌های نقدی در بین کشورها به دو صورت پرداخت مشروط یارانه‌ها<sup>۱</sup> (CCT) و یا پرداخت غیرمشروط انجام می‌شود. در پرداخت‌های مشروط، خانوار دریافت‌کننده وجه نقد تنها در بخش‌هایی مشخص مانند بهداشت و درمان، آموزش، تغذیه و نظایر آن می‌تواند اقدام به هزینه نماید. اما در پرداخت‌های نقدی غیرمشروط خانوار دریافت‌کننده وجه می‌تواند آن را به دلخواه در اموری که لازم می‌داند، به مصرف برساند. تجربیات کشورها نشان می‌دهد که سیاست پرداخت نقدی به‌صورت مشروط به عنوان ابزاری مؤثر در جهت کاهش و رفع فقر به‌شمار می‌آید.

بر اساس بررسی انجام‌شده در بانک جهانی توسط فیزبین و اسکادی (۲۰۰۹)<sup>۲</sup> این سیاست در کشورهای آمریکای لاتین اجرا و پس از مشاهده نتایج مؤثر آن در برخی از کشورها متناسب با شرایط و اولویت‌های آن کشور در حال اجراست. در کشور برزیل نظام پرداخت یارانه‌ها که از آن با عنوان BFP<sup>۳</sup> یاد می‌شود، مبتنی بر ثبت‌نام اولیه خانوارها و راستی‌آزمایی اطلاعات اعلام‌شده با آمارهای دیگر ثبتی است. در این نظام، به ویژگی‌های جغرافیایی و مناطق محروم توجه شده و در مجموع، نزدیک به ۱۱ میلیون خانوار را که در حدود ۲۵ درصد جمعیت هستند، تحت پوشش قرار می‌دهد. در کشور مکزیک این نظام در سال ۱۹۹۷ با عنوان Progresa آغاز شده که در حدود ۵ میلیون خانوار را که در حدود ۱۸ درصد جمعیت است، تحت پوشش قرار می‌دهد. در اجرای این طرح، ترکیبی از مناطق

1. Conditional Cash Transfer

۲. رجوع شود به: Fiszbein, Schady. (2009).

3. Bolsu Familia Program

جغرافیایی و مناطق محروم، ویژگی‌های جمعیتی خانوار که در واقع تعداد فرزندان خانوار است در کنار اطلاعات دیگر ثبتي به عنوان ابزارهایی برای راستی‌آزمایی وضعیت خانوار مورد توجه قرار می‌گیرد. در این خصوص و با بررسی تجربیات کشورهای دیگری که اقدام به پرداخت نقدی یارانه‌ها به خانوارها می‌کنند، رویکردهای مشابهی قابل مشاهده است. بر اساس گزارش بانک جهانی این موج سیاستگذاری را در دوره ده ساله ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۸ در کشورهایی مانند نیکاراگوئه، هندوراس، کاستاریکا، السالوادور، جامایکا، اکوادور، کولومبیا، پرو، بولیوی، آرژانتین، شیلی در قاره آمریکای لاتین و کشورهای هند، پاکستان، اندونزی، بنگلادش، فیلیپین، ترکیه در قاره آسیا می‌توان مشاهده کرد. با توجه به گزارش بانک جهانی در اعمال این سیاست گروه‌ها و دهک‌های کم‌درآمد جامعه در بیشتر موارد اجرای سیاست پرداخت مستقیم و هدفمند یارانه‌ها، سهم بیشتری از یارانه‌های تخصیص داده شده را جذب کرده‌اند. بر اساس این گزارش، سیاست CCT در بیشتر موارد موجب کاهش فقر کوتاه‌مدت شده است. در بررسی بانک توسعه آسیایی که توسط سان (۲۰۰۸)<sup>۱</sup> درباره موضوع پرداخت یارانه‌ها انجام شده است، سیاست پرداخت مشروط یارانه‌ها در کاهش فقر کوتاه‌مدت مؤثر ارزیابی شده است. افزون بر این، اجرای این سیاست با توجه به ارتقای قابلیت‌ها و توانایی‌های فردی در کاهش فقر میان‌مدت و بلندمدت مفید ارزیابی می‌شود.

سیاست پرداخت یارانه نقدی در ایران از پایان سال ۱۳۸۹ در قالب طرح تحول اقتصادی آغاز شده است. این سیاست مبتنی بر پرداخت مستقیم و غیرمشروط وجوه نقدی به خانوارهاست. گویلام، زایتک و فرزین (۲۰۱۱) به مسأله اصلاح قیمت حامل‌های انرژی و چالش‌های پیش روی این سیاست در اقتصاد ایران پرداخته‌اند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، ایران در سال ۲۰۱۰ افزایشی ۲۰ برابری در قیمت حامل‌های انرژی و محصولات کشاورزی را تجربه کرده است. پیرایی و سیف (۱۳۸۹) به بررسی تأثیر هدفمندی یارانه‌ها بر رفاه اجتماعی پرداخته‌اند. روش شناسی این پژوهش مبتنی بر تابع رفاه اجتماعی اتکینسون و برآورد مدل رگرسیونی در دوره ۱۳۸۷-۱۳۶۷ است. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده در این مطالعه، هدفمندسازی یارانه‌ها سطح رفاه اجتماعی را بهبود بخشیده است. دادگر

1. Son. (2008).

و نظری (۱۳۹۰) با استفاده از روش‌های اقتصادسنجی و تحلیل داده‌های سری زمانی در دوره ۱۳۸۹-۱۳۵۳ به بررسی هدفمندی یارانه‌ها پرداخته‌اند. بر اساس این مطالعه نابرابری در توزیع درآمد در ایران در سطح بالایی قرار دارد. اصلاح روش پرداخت یارانه‌ها از جمله نیازهای ضروری اقتصاد جامعه ایران بوده که با بهبود توزیع درآمد می‌تواند کارکرد مثبت آزادسازی قیمت‌ها را نیز به دنبال داشته باشد؛ اما اجرای صحیح این سیاست مستلزم فراهم‌آوردن امکانات مناسب، وجود دولت بهینه، نبود وضعیت و شرایط اقتصادی ناپایدار و تورم و رکود اقتصادی است. از دیدگاه این پژوهشگران، اجرای نامناسب این سیاست می‌تواند نتایج معکوسی را به دنبال داشته و موجب افزایش فشار بر طبقات محروم جامعه شود. مطالعه راغفر و سرخه‌دهی (۱۳۹۰) سیاست هدفمندی یارانه‌ها را از منظر شناسایی، گروه‌بندی و تأمین نیازهای واجدین دریافت یارانه‌ها ارزیابی کرده است. شیوه بررسی در این مطالعه مبتنی بر نگرشی نظری بوده و نظریه اقتصاد اطلاعات و روش خودگزینی<sup>۱</sup>، بررسی شده است. بر اساس نتایج این پژوهش، پرداخت پول نقد در شرایطی که بانک اطلاعاتی کاملی از خانوارها در دسترس نیست، راهکاری صحیح و کارآمد نبوده و در این خصوص این پژوهشگران اقتصاد ایران، ارائه بسته‌های حمایتی در جهت بهبود سلامت، جلوگیری از سوء تغذیه و ارتقای آموزش را مفید می‌دانند. مقصودی و توحیدی (۲۰۱۲) با روشی توصیفی و با استفاده از آمارهای رسمی و منابع آماری بین‌المللی به ارزیابی هدفمندی یارانه‌ها پرداخته‌اند. به اعتقاد نویسندگان مقاله، هدفمندی یارانه‌ها که با هدف اصلاح قیمت‌های نسبی و بهبود در توزیع درآمدها به اجرا درآمده است، نیاز به بازبینی و اجماع نظر بین نخبگان و کارشناسان دارد. مطالعه اسماعیلی و دیگران (۲۰۱۳) در این خصوص با بررسی تابع رفاه اجتماعی در قالب مدل تعادل عمومی انجام شده و بر حمایت از اقشار فقیر جامعه در بخش خوراک به صورت نقدی و یا کالایی تأکید شده است. همچنین، کاهش هزینه‌های دولتی، افزایش صادرات محصولات کشاورزی و کاهش واردات محصولات کشاورزی از جمله نتایج به‌دست‌آمده در قالب این تغییر رویکرد در پرداخت یارانه‌هاست. در گزارش صندوق بین‌المللی پول در خصوص وضعیت

اقتصادی ایران که توسط اوزگار و زیمانده تهیه شده است (۲۰۱۴)<sup>۱</sup> موضوع هدفمندسازی یارانه‌ها مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس این گزارش، افزایش نرخ تورم و نرخ ارزهای خارجی و کاهش ارزش ریال به بالاترین حد خود رسیده است که از مشکلات به وجود آمده در اجرای این سیاست هستند. بر این اساس، تأمین منابع مالی که از افزایش بهای انرژی مورد نظر بوده است، در عمل خنثی شده و این سیاست تنها به پرداخت ماهانه مبلغی مشخص به خانوارها محدود شده است. در ارزیابی این نهاد، اجرای این سیاست با توجه به شرایط اقتصادی و منطقه‌ای ایران وظیفه‌ای دشوار قلمداد شده است. فطرس و شهبازی (۱۳۹۳) با رویکردی پویا به بررسی ساختار توزیعی در ایران پرداخته و دو مقطع زمانی پیش و پس از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها را مقایسه کرده‌اند. روش بررسی در این پژوهش بر اساس سری زمانی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۶۳ و برآورد مدل رگرسیونی تحرک مطلق و شرطی است. بر اساس نتایج به دست آمده در این پژوهش، بهبود جزئی در توزیع درآمد پس از اجرای سیاست هدفمندسازی یارانه‌ها به دست آمده است. صالحی اصفهانی و دیگران (۲۰۱۵) تأثیر سیاست پرداخت‌های نقدی در جریان اصلاح یارانه‌های بخش انرژی را در اقتصاد ایران بررسی کرده‌اند. روش بررسی در این پژوهش استفاده از مدل‌های رگرسیونی بوده که در آن دریافت یارانه تابعی از ویژگی‌ها و موقعیت مکانی خانوار دریافت‌کننده یارانه است. بر اساس یافته‌های این مطالعه موازنه پرداخت‌های نقدی به خانوارها در مقایسه با افزایش قیمت حامل‌های انرژی حداقل در مقاطع اولیه اجرای طرح به نفع خانوارها بوده است. همچنین، اجرای این طرح در این مقطع باعث بهبود توزیع درآمد می‌شود. برآوردهای انجام شده در این پژوهش حاکی از کاهش ۵ درصدی در نرخ فقر است.

مسکوب (۲۰۱۵) به بررسی ویژگی‌های اصلی طرح هدفمندی یارانه‌ها پرداخته و اثرات آن را بر فرآیند فقرزدایی بررسی کرده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، هزینه این طرح در سال ابتدای اجرا رقمی حدود ۱۲ درصد درآمد ناخالص داخلی را به خود اختصاص می‌دهد.<sup>۲</sup> شیوه اجرای این طرح به صورت پرداخت یکسان به افراد جامعه از انتقاداتی است که از منظر نگارنده بر این طرح وجود دارد.

1. Ozgur and Zimand. (2014).

2. Meskoub. (2015).

بر این اساس، شناسایی افراد فقیر و پرداخت یارانه به آنها در قالب سرفصل‌های مشخص هزینه‌ای مانند بهداشت، آموزش و خوراک از پیشنهاد‌های این پژوهشگر است. انصاری و سلامی (۱۳۹۳) موضوع هدفمندی یارانه‌ها و تأثیر آن بر توزیع درآمد را از منظر تخصیص درآمدهای حاصل از آن با استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی مطالعه کرده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تخصیص منابع هدفمندی به گروه‌های کم‌درآمد موجب کاهش نابرابری می‌شود؛ اما این کاهش به قیمت افزایش کمتر در درآمدهای خلق شده حاصل از تخصیص درآمدهای هدفمندی است. از سوی دیگر، اختصاص درآمدهای هدفمندی به بخش کشاورزی و زیربخش‌های آن می‌تواند باعث کاهش نابرابری بین جامعه شهری و روستایی شده و بیشترین میزان مطلق درآمد را برای همه گروه‌های درآمدی فراهم کند. شهنازی و دیگران (۱۳۹۳) به بررسی وضعیت توزیع درآمد پیش و پس از هدفمندی یارانه‌ها پرداخته‌اند. در این پژوهش، شاخص‌های نابرابری نسبت دهک‌ها، ضریب جینی و شاخص اتکینسون استفاده شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در دوره زمانی یک ساله پس از هدفمندی یارانه‌ها بهبود توزیع درآمد مشاهده شده است. همچنین، در جهت کارآمدی بالاتر در این سیاست انتقال درآمد از گروه‌های پردرآمد به نفع گروه‌های کم‌درآمد پیشنهاد شده است. عیسی‌وند و توحیدنام (۱۳۹۴) به آسیب‌شناسی هدفمندی یارانه‌ها پرداخته‌اند. از منظر روش‌شناسی این مقاله با رویکرد فرضیه‌ای-قیاسی و در قالب روش توصیفی-تحلیلی به دنبال تبیین عوامل مؤثر بر ناکامی سیاست هدفمندسازی یارانه‌هاست. آمار و اطلاعات این مقاله به روش کتابخانه‌ای و مبتنی بر آمار رسمی منتشر شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تدوین و صورت‌بندی سیاست هدفمندسازی یارانه‌ها مستلزم فراهم‌آوردن پیش‌نیازهای ضروری سخت‌افزاری و نرم‌افزاری به‌منظور هدایت یارانه‌ها به سمت مصرف‌کننده و تولیدکننده است. بررسی این پژوهشگران نشان می‌دهد که تلاش اصلی دولت در جهت پرداخت یارانه نقدی (و حتی با پرداخت مبالغی بیش از حد نصاب تعیین شده) به سمت مردم متمرکز شده است. در واقع، توزیع درآمد یارانه به مصرف‌کننده، تأخیر در زمان اجرا، شیب تند آزادسازی قیمت‌ها، عدم پرداخت سهم تولید از یارانه و منحصرشدن هدفمندسازی به پرداخت نقدی یارانه‌ها از عوامل ناکارآمدی اجرای این طرح محسوب می‌شود. مؤمنی (۱۳۹۴) در

پژوهشی به بررسی طرح هدفمندسازی یارانه‌ها پرداخته است. یافته‌های این پژوهش که بررسی آن با رویکرد تاریخی-تحلیلی و بر اساس الگوی نظری دولت رانتی انجام شده است، حاکی از آن است که سیاست هدفمندسازی یارانه‌ها دور باطل رکود تورمی بوده و موجب وابستگی بیشتر به رانت‌های نفتی خواهد شد.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، بیشتر مطالعات انجام‌شده مبتنی بر مدل‌ها و روش‌های رگرسیونی و تحلیل‌های اقتصادسنجی بوده و یا بررسی بر اساس دیدگاهی نظری و با تکیه بر آمارهای منتشرشده، ارائه شده است. این پژوهش با استفاده از ریز داده‌های گردآوری شده از خانوارها، به بررسی و ارزیابی اثربخشی هدفمندسازی یارانه‌ها پرداخته و در سه مقطع زمانی سال ۱۳۸۸ (پیش از اجرای سیاست)، سال ۱۳۹۰ و سال ۱۳۹۵ ارزیابی خواهد شد. در این پژوهش، مطالعه و محاسبه برخی از شاخص‌های عددی که به‌صورت متداول در سنجش فقر کاربرد دارند و نیز بررسی رفتار دهک‌ها در زمینه دریافت یارانه‌ها و تأثیر تورم بر کاهش قدرت خرید یارانه‌ها بررسی می‌شود، اما رویکرد اساسی و اصلی در این پژوهش، رویکرد مبتنی بر روش‌های تربیتی سنجش فقر بوده و منحنی‌های برتری تصادفی مرتبه اول و دوم و نیز منحنی TIP ارائه و تحلیل خواهد شد.

### ۳. مروری بر روش‌شناسی پژوهش

به منظور بررسی و مقایسه فقر در سیر زمان و در میان جوامع مختلف نیازمند طراحی و اجرای روش‌هایی هستیم که می‌توان این روش‌ها را در دو قالب کلی طبقه‌بندی کرد. در قالب نخست، شاخص‌های مبتنی بر خط فقر تعریف می‌شوند. در این روش، این شاخص‌ها پس از محاسبه قابل تفسیر و مقایسه هستند. در رویکرد دیگر، به رتبه‌بندی توزیع‌های مختلف پرداخته و از طریق آن می‌توان در خصوص تغییرات رخ داده در وضعیت فقر جامعه قضاوت کرد. در این بخش، ابتدا به ذکر برخی از اصول موضوعه در مقوله سنجش فقیر می‌پردازیم، سپس، با اشاره به برخی از شاخص‌های کمی محاسبه فقر مروری بر ادبیات برتری تصادفی در حوزه تحلیل رتبه‌ای فقر خواهیم داشت.

همان‌طور که می‌دانیم، دقت اندازه‌گیری یک شاخص با ملاحظه برخی از ویژگی‌های کلیدی و یا اصول بدیهی قابل قضاوت است. برخی از این اصول که در متون اقتصاد فقر مطرح هستند، شامل



اصول تمرکز،<sup>۱</sup> تقارن،<sup>۲</sup> پیوستگی،<sup>۳</sup> یکنواختی<sup>۴</sup> و انتقال<sup>۵</sup> است که در ادامه توضیح کوتاهی برای هر یک، ارائه می‌شود.<sup>۶</sup> قابل ذکر است در این مقاله  $X_i$  و  $Z$  به ترتیب نماد خط فقر و درآمد افراد جامعه بوده و  $P$  مبین شاخص فقر است.

- اصل تمرکز: شاخص فقر  $P$  از تغییرات درآمد افراد غنی متأثر نمی‌شود.
- اصل تقارن: شاخص فقر  $P$  از معاوضه درآمد افراد فقیر متأثر نمی‌شود.
- اصل پیوستگی: شاخص فقر  $P$  تابعی پیوسته از درآمد است.
- اصل یکنواختی: شاخص فقر  $P$  با کاهش درآمد افراد فقیر افزایش می‌یابد، این اصل مستلزم آن است که  $\partial P(x_i, z) / \partial x < 0$  باشد.
- اصل انتقال: شاخص فقر  $P$  با انتقال درآمد از فرد فقیر به فردی با درآمد بالاتر افزایش می‌یابد. گفتنی است که با فرض پیوستگی تابع فقر این اصل مستلزم آن است که  $\partial^2 P(x_i, z) / \partial x^2 \geq 0$  باشد.

بر این اساس و با ملاحظه اصل یکنواختی می‌توان استنباط کرد که افزایش درآمد خانوارهای فقیر موجب کاهش فقر می‌شود. در این خصوص و با اعمال سیاست افزایش درآمد خانوارهای فقیر که در سال‌های اخیر در اقتصاد ایران از طریق پرداخت مستقیم نقدی به خانوارها عملیاتی شده است، می‌توان انتظار کاهش شاخص‌های فقر را داشت. از سوی دیگر و با ملاحظه اصل تمرکز می‌توان مشاهده کرد که افزایش درآمد خانوارهای غیرفقیر تأثیری بر کاهش فقر ندارد و بدیهی است پرداخت نقدی و مستقیم یارانه به افراد غیرفقیر جامعه موجب کاهش فقر نخواهد شد. بنابراین، با جمع‌بندی اجرای سیاست هدفمندی یارانه‌ها بر اساس رویکرد مبتنی بر این اصول بدیهی انتظار خواهیم داشت که در مجموع پرداخت مستقیم یارانه‌ها موجب کاهش در شاخص‌های فقر شود.

1. Focus Axiom
2. Symmetry Axiom
3. Continuity Axiom
4. Monotonicity Axiom
5. Transfer Axiom

در ادامه این بخش در قسمت "الف" به ارائه برخی شاخص‌های سنجش عددی فقر و در قسمت "ب" به مروری کوتاه بر روش‌ها و تحلیل رتبه‌ای فقر خواهیم پرداخت.

**الف) شاخص‌های سنجش فقر:** به منظور بررسی و مقایسه میزان فقر در جامعه بر حسب ملاک کمی، استفاده از شاخص‌های فقر رویه‌ای متداول و اجتناب‌ناپذیر است. در این خصوص، پژوهشگران شاخص‌هایی به منظور محاسبه و مقایسه میزان فقر ارائه کرده‌اند. در این مقوله، درصد افراد فقیر و یا شاخص سرشمار فقر  $H^1$  از شاخص‌های متداول و پایه‌ای محسوب می‌شود که به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$H = \frac{q(x_i; z)}{n(x)} \quad (1)$$

این شاخص که در واقع، تقسیم افراد زیر خط فقر  $q(x; z)$  بر افراد کل جامعه  $n(x)$  است به دلیل سادگی در محاسبات و سهولت در تفسیر استفاده گسترده‌ای دارد.

شاخص دیگری که به طور گسترده‌ای در مطالعات نظری و تجربی مورد توجه و استفاده قرار می‌گیرد، خانواده شاخص‌های  $FGT(\alpha)$  است که توسط سه پژوهشگر فوستر، گریر و توربک در سال ۱۹۸۴ پیشنهاد شده است. این شاخص به صورت زیر تعریف می‌شود:<sup>۲</sup>

$$FGT(\alpha) = \int_0^z \left(\frac{z-x}{z}\right)^\alpha f(x) dx \quad (2)$$

که در آن،  $\alpha$  به عنوان ملاکی برای تعیین درجه گریز از فقر محسوب می‌شود. بر این اساس، مقدار بزرگتر  $\alpha$  حاکی از تأکید و یا اهمیت بیشتر وضعیت دامنه فقیرتر توزیع است. در مطالعات تجربی مقادیر  $\alpha$  معمولاً به ازای  $\alpha=0$ ،  $\alpha=1$  و  $\alpha=2$  در نظر گرفته می‌شود که به ترتیب برابر با درصد افراد فقیر  $(P_0)$ ، شکاف فقر  $(P_1)$  و شدت فقر  $(P_2)$  است. در مقوله بررسی شاخص‌های کمی فقر شاخص فقر  $CHU(\beta)$  نیز از شاخص‌های سنجش فقر است که توسط کلارک، همینگ و اولف به صورت زیر پیشنهاد شده است:<sup>۳</sup>

## 1. Head Count Ratio

۲. رجوع شود به: Foster, Greer and Thorbecke. (1984).

۱. رجوع شود به: Clark, Hemming, Ulph. (1981).

$$CHU(\beta) = 1 - \left( \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n \left( \frac{x_i}{z} \right)^\beta \right)^{\frac{1}{\beta}} \quad \beta \leq 1 \quad (۳)$$

در حالت خاص و به ازای  $\beta=0$  این شاخص برابر با شاخص فقر واتز است. شاخص واتز به صورت زیر ارائه شده است:<sup>۱</sup>

$$W = \int_0^z \left( \frac{x}{z} \right) f(x) dx \quad (۴)$$

از شاخص‌های دیگر در محاسبه میزان فقر، شاخص SST است. این شاخص در واقع، مبتنی بر اصلاحات انجام شده توسط پژوهشگرانی مانند شروکز<sup>۲</sup> و تون<sup>۳</sup> بر روی شاخص فقر سن<sup>۴</sup> است. این شاخص در حالت کلی به صورت زیر تعریف می‌شود:<sup>۵</sup>

$$SST = H \cdot I (1 + \hat{G}^p) \quad (۵)$$

که در آن،  $\hat{G}^p$  شاخص ضریب جینی بر روی شکاف فقر جامعه بوده و  $I$  شاخص شکاف فقر است که تنها در دامنه افراد زیر خط فقر محاسبه می‌شود. بر این اساس، شاخص  $I$  به صورت زیر به دست می‌آید:

$$I = \frac{1}{q} \sum_{i=1}^q \left( \frac{x_i - z}{z} \right) \quad (۶)$$

از ویژگی‌های مطلوب شاخص SST آن است که می‌توان از آن به منظور تحلیل علل بروز تغییرات در طول زمان استفاده کرد. این نکته به دلیل امکان تجزیه شاخص به صورت زیر امکان‌پذیر است:

$$\Delta \ln P_{sst} = \Delta \ln H + \Delta \ln I + \Delta \ln (1 + \hat{G}^p) \quad (۷)$$

1. Watts. (1968).

2. Shorroks

3. Thon

4. Sen

۵. رجوع شود به: Xu. (2000).

بر این اساس، می‌توان درصد تغییرات این شاخص را در سه قالب درصد تغییرات افراد فقیر، درصد تغییرات شکاف فقر و درصد تغییر در نابرابری توزیع شکاف فقر جستجو کرد. با تجزیه تغییرات این شاخص می‌توان به این پرسش پاسخ داد که آیا افراد فقیر در طول دوره زمانی بیشتر شده‌اند، آیا افراد فقیر، فقیرتر شده‌اند و آیا نابرابری در میان افراد فقیر تغییر کرده است یا خیر.

ب) تحلیل رتبه‌ای فقر: رویکرد دیگری که در بررسی فقر می‌توان به آن اشاره کرد، مقایسه و تحلیل رتبه‌بندی توزیع‌های مختلف است. مقایسه این توزیع‌ها می‌تواند در طول زمان در یک جامعه و یا در مقطعی از زمان و در بین جوامع مختلف انجام شود. این رویکرد مبتنی بر ملاحظه برتری تصادفی میان توزیع‌های موردنظر است. طبق تعریف و با فرض دو توزیع  $F$  و  $G$ ، توزیع  $F$  دارای برتری تصادفی مرتبه  $k$ ام نسبت به توزیع  $G$  بوده که آن را به صورت  $FD_k G$  نشان می‌دهیم، چنانچه  $F_k \leq G_k$  بوده، به طوری که  $F_1 = F$  و  $F_k = \int F_{k-1}(t) dt$  باشد. بر این اساس، به تعاریف و گزاره‌های زیر که از اهمیت ویژه‌ای در تحلیل رتبه‌ای نیز برخوردارند، می‌پردازیم:

برتری تصادفی مرتبه اول<sup>۱</sup>: با فرض دو توزیع  $F$  و  $G$ ، تابع توزیع  $F(x)$  دارای برتری تصادفی مرتبه اول نسبت به توزیع  $G(x)$  است،  $(FD_1 G)$  چنانچه شرط زیر برقرار باشد:

$$F(x) \leq G(x) \quad (۸)$$

این به آن معناست که تابع توزیع تجمعی  $G(x)$  همواره از  $F(x)$  بیشتر بوده و نمودار آن همواره بالاتر از توزیع  $F(x)$  است. بدیهی است که در این صورت و در هر سطحی از درآمد توزیع  $G(x)$  نشان‌دهنده وجود افراد فقیر بیشتر نسبت به توزیع  $F(x)$  است.

برتری تصادفی مرتبه دوم<sup>۲</sup>: شرط برقراری برتری تصادفی مرتبه دوم به صورت زیر به دست

می‌آید:

$$\int_0^k G(t) dt \geq \int_0^k F(t) dt \quad (۹)$$

۱. رجوع شود به: Shorroks. (1983).

۲. همان مأخذ.

مشاهده می‌شود که در برتری تصادفی مرتبه دوم مقایسه توابع توزیع تجمعی ملاک نبوده و در واقع، فضای زیر منحنی آنها بررسی می‌شود. در این خصوص، ذکر این نکته ضروری است که برقراری رابطه برتری تصادفی مرتبه اول متضمن وجود برتری تصادفی مرتبه دوم است که عکس آن صادق نیست، بنابراین، شرط برتری تصادفی مرتبه دوم در مقایسه با برتری تصادفی مرتبه اول ضعیف‌تر است. با ملاحظه چنین رویکردی اتکینسون گزاره‌های زیر را برای رتبه‌بندی فقر پیشنهاد داده است:<sup>۱</sup>

گزاره اول اتکینسون: با فرض دو توزیع  $F$  و  $G$  و به ازای تمام شاخص‌های فقر عضو خانواده  $\theta_M$  و تمام خطوط فقر واقع در دامنه  $Z \in [z^{\min}, z^{\max}]$ ، شرط لازم و کافی برای آنکه میزان فقر توزیع  $F$  کمتر از توزیع  $G$  باشد،  $P(F; Z) \leq P(G, Z)$  آن است که شرط برتری تصادفی مرتبه نخست  $FD_1G$  در دامنه  $[0, z^{\max}]$  برقرار باشد.

گزاره دوم اتکینسون: با فرض دو توزیع  $F$  و  $G$  و به ازای تمام شاخص‌های فقر عضو خانواده  $\theta_{ST}$  و تمام خطوط فقر واقع در دامنه  $Z \in [z^{\min}, z^{\max}]$ ، شرط لازم و کافی برای آنکه میزان فقر توزیع  $F$  کمتر از توزیع  $G$  باشد،  $P(F; Z) \leq P(G, Z)$  آن است که شرط برتری تصادفی مرتبه دوم  $FD_2G$  در دامنه  $[0, z^{\max}]$  برقرار باشد.

گفتنی است  $\theta_M$  و  $\theta_{ST}$  خانواده‌ای از شاخص‌های فقر هستند که اصل یکنواختی و اصل انتقال را ارضا می‌کنند.

ابزار ارزشمند دیگری که از آن می‌توان در رتبه بندی توزیع‌ها استفاده کرد، منحنی TIP است که می‌توان آن را حاصل بررسی‌های لامبرت<sup>۲</sup> و جنکینز<sup>۳</sup> دانست. این منحنی به‌طور هم‌زمان سه رخداد درصد افراد فقیر، شدت فقر و نابرابری در میان افراد فقیر را به تصویر می‌کشد. به منظور ترسیم این منحنی برداری صعودی از درآمد افراد به صورت  $0 \leq x_1 \leq x_2 \leq \dots \leq x_n$  و با خط فقر  $z$  و شکاف فقر  $g_i = \max(z - x_i, 0)$  را فرض می‌کنیم. در این صورت، این منحنی به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$TIP = \frac{1}{n} \sum g_i \quad (۱۰)$$

۱. رجوع شود به: Atkinson. (1987).

2. Lambert  
3. Jenkins

در واقع، در ترسیم این منحنی به ترسیم مقادیر انباشته شده شکاف فقر می‌پردازیم. این منحنی در نقطه  $H=F(z)$  و در دامنه افقی برابر با درصد افراد فقیر است. ارتفاع این منحنی برابر با شدت فقر است و درجه تقعر آن به عنوان نمادی از نابرابری توزیع درآمد در میان افراد فقیر است. بر این اساس، چنانچه منحنی TIP به ازای خط فقر  $Z$  به‌طور کامل در بالای منحنی توزیع دیگر قرار گیرد، رتبه‌بندی جامعی از تمام خطوط فقر کمتر از خط فقر  $Z$  به دست می‌آید.

در این مقوله، موضوع دیگری که می‌تواند به درکی جامع‌تر از تأثیر یارانه‌ها ارائه کند، بررسی اثرات این سیاست بر توزیع درآمد است. شاخصی که در این زمینه مورد بررسی قرار می‌گیرد، شاخص اثر باز توزیعی<sup>۱</sup> است که به‌صورت زیر تعریف می‌شود:

$$RE = GiniX - Gini_{X-T} \quad (11)$$

در این رابطه، ضریب جینی پیش و پس از اعمال سیاست (که در اینجا پرداخت یارانه است) ارزیابی می‌شود. بدیهی است مقدار مثبت این شاخص کاهش در نابرابری توزیع درآمدها به واسطه اعمال سیاست دولت است.

#### ۴. مروری بر نتایج بررسی در اقتصاد ایران

در این بخش موضوع تأثیر یارانه‌های نقدی بر فقر در طول زمان بر اساس روش‌های پیش‌گفته ارزیابی می‌شود. ابتدا، تصویری از چگونگی پرداخت‌های نقدی انجام‌شده در دوره زمانی اجرای طرح در دهک‌های درآمدی ارائه شده، سپس، به محاسبه شاخص‌های کمی و بررسی‌های ترتیبی خواهیم پرداخت. بر این اساس، در جدول ۱، سهم دریافت‌کنندگان یارانه‌ها به تفکیک دهک‌ها در مناطق شهری طی دوره زمانی گزارش، ارائه شده است.<sup>۲</sup>

#### 1. Redistribution Effect

۲. درصد خانوارهای دریافت‌کننده یارانه در هر دهک بر اساس ریز داده‌های گردآوری شده از خانوارها محاسبه شده است. برای این منظور در هر دهک تعداد خانوارهایی که یارانه دریافت کرده‌اند، به کل خانوارها سنجیده شده است.

جدول ۱. سهم خانوارهای دریافت کنندگان یارانه به تفکیک دهک‌های درآمدی

سهم دریافت کنندگان						دهک
۱۳۹۵	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱	۱۳۹۰	
۹/۴	۹/۴	۹/۶	۹/۶	۹/۶	۹/۴	۱
۹/۵	۹/۶	۹/۷	۹/۵	۹/۷	۹/۵	۲
۹/۴	۹/۵	۹/۶	۹/۶	۹/۷	۹/۶	۳
۹/۵	۹/۶	۹/۶	۹/۷	۹/۶	۹/۶	۴
۹/۴	۹/۶	۹/۶	۹/۷	۹/۷	۹/۷	۵
۹/۲	۹/۵	۹/۶	۹/۸	۹/۷	۹/۶	۶
۹/۳	۹/۷	۹/۷	۹/۸	۹/۷	۹/۷	۷
۸/۸	۹/۵	۹/۷	۹/۸	۹/۸	۹/۷	۸
۸/۴	۹/۱	۹/۶	۹/۷	۹/۸	۹/۷	۹
۶/۱	۷/۸	۸/۷	۹/۳	۹/۲	۹/۱	۱۰

مأخذ: یافته‌های این پژوهش.

همان‌طور که در این جدول مشاهده می‌شود، سهم دریافت کنندگان یارانه در سال‌های ابتدایی اجرای طرح در بین تمام دهک‌ها بیش از ۹ درصد بوده است. این وضعیت در سال‌های پایانی دوره مورد بررسی در دهک‌های بالا، اندکی کاهش داشته است.

در جدول ۲، سهم یارانه‌های نقدی در سبد مصرفی خانوارها بررسی و ارزیابی شده است.<sup>۱</sup>

۱. نسبت یارانه‌های دریافت‌شده به هزینه‌ها بر اساس ریز داده‌های گردآوری شده از خانوارها در هر دهک محاسبه شده است. برای این منظور نسبت یارانه دریافت‌شده به هزینه کل در هر دهک محاسبه شده است.

## جدول ۲. سهم یارانه‌ها در هزینه خانوارها به تفکیک دهک‌های درآمدی

سهم یارانه در هزینه‌های خانوار						دهک
۱۳۹۵	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱	۱۳۹۰	
۱۶/۰	۱۶/۸	۱۹/۸	۲۵/۸	۲۹/۴	۲۴/۳	۱
۱۱/۷	۱۳/۰	۱۴/۴	۱۹/۱	۲۱/۸	۱۸/۴	۲
۹/۴	۱۰/۷	۱۱/۷	۱۵/۹	۱۷/۵	۱۵/۰	۳
۷/۹	۸/۹	۱۰/۰	۱۳/۲	۱۴/۸	۱۲/۸	۴
۶/۷	۷/۶	۸/۴	۱۱/۲	۱۲/۸	۱۱/۱	۵
۵/۵	۶/۴	۷/۱	۱۰/۰	۱۰/۹	۹/۵	۶
۴/۶	۵/۴	۶/۰	۸/۴	۹/۳	۸/۲	۷
۳/۶	۴/۴	۵/۰	۶/۸	۷/۸	۶/۸	۸
۲/۶	۳/۱	۳/۷	۵/۲	۶/۲	۵/۵	۹
۱/۰	۱/۵	۱/۷	۲/۶	۳/۰	۳/۰	۱۰

مأخذ: یافته‌های این پژوهش.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، سهم یارانه‌ها در هزینه خانوارها در دهک‌های کم‌درآمد در سال‌های ابتدایی اجرای طرح سهمی قابل ملاحظه بوده است، هرچند که این سهم در طول زمان روندی کاهشی داشته است. نکته قابل توجه، سهم بسیار ناچیز یارانه‌ها در سبد مصرفی گروه‌های پردرآمد در طول دوره پرداخت یارانه‌هاست، سهمی که در سیر زمان نیز با کاهش همراه بوده و به رقمی در حدود یک درصد رسیده است. موضوعی که در اینجا لازم است به آن پرداخته شود، مسأله بروز تورم در دوره پرداخت یارانه‌هاست؛ چرا که وجود تورم بالا در مقاطعی از دوره اجرای این سیاست باعث کاهش ارزش واقعی یارانه‌های دریافتی خانوارها شده است. در جدول ۳، شاخص مبلغ دریافتی یارانه‌ها پس از انجام تعدیلات لازم با نرخ تورم ارائه شده است.<sup>۱</sup>

## جدول ۳. شاخص ارزش یارانه دریافتی خانوار

شاخص	سال
۱۰۰	۱۳۹۰
۱۰۶/۵	۱۳۹۱
۹۰	۱۳۹۲
۶۵/۴	۱۳۹۳
۵۷/۳	۱۳۹۴
۵۱/۵	۱۳۹۵

مأخذ: یافته‌های این پژوهش.

۱. ارقام این جدول با استفاده از ریز اطلاعات خانوار و انجام تعدیلات لازم با توجه به نرخ تورم محاسبه شده است.



همان‌طور که در این جدول مشاهده می‌شود، متوسط مبلغ دریافتی توسط یک خانوار در سال ۱۳۹۵ در مقایسه با مبلغ مشابه در سال ۱۳۹۰ به شدت کاهش داشته است. در واقع، چنانچه این شاخص برای سال ۱۳۹۰ برابر ۱۰۰ در نظر گرفته شود، این رقم در سال ۱۳۹۵ به عدد ۵۱/۵ کاهش داشته و این به معنای آن است که مبلغ یارانه دریافتی در سال ۱۳۹۵ ارزشی در حدود نصف مبلغ یارانه سال ۱۳۹۰ دارد.

در جدول ۴، نتایج شاخص‌های فقر  $FGT(\alpha)$  به ازای  $\alpha=0,1,2$  (که به ترتیب برابر با شاخص‌های درصد سرشمار فقر، شدت فقر و شکاف فقر است) شاخص  $CHU(\beta)$  به ازای پارامترهای  $\beta=0, 0.25, 0.75$  و شاخص SST در دو مقطع زمانی ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ ارائه شده است. گفتنی است این شاخص بر اساس خط فقر مطلق مبتنی بر ۲۰۰۰ کالری روزانه افراد جامعه محاسبه شده است.

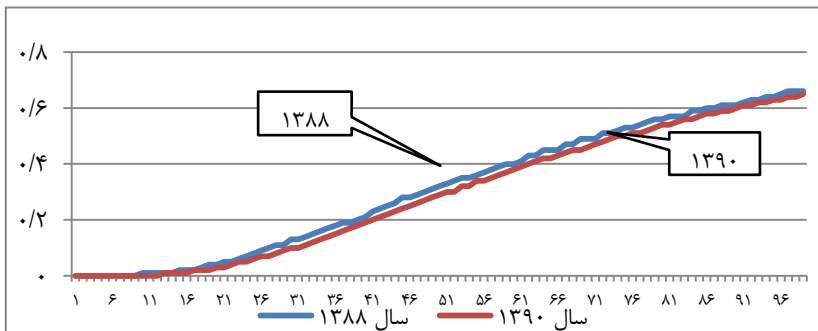
جدول ۴. شاخص‌های فقر  $SST, CHU(\beta), FGT(\alpha)$

SST	CHU( $\beta$ )			FGT( $\alpha$ )			سال
	$\beta=0$	$\beta=0.5$	$\beta=0.75$	$\alpha=0$	$\alpha=1$	$\alpha=2$	
۰/۰۸۳۹	۰/۰۵۸۱	۰/۰۵۰	۰/۰۴۷	۰/۱۶۰۹	۰/۰۴۴۱	۰/۰۱۷۷	۱۳۹۰
۰/۱۴۶۵	۰/۱۰۳۸	۰/۰۹۰	۰/۰۸۴	۰/۲۵۸۹	۰/۰۷۹۸	۰/۰۳۴۸	۱۳۹۵

مأخذ: یافته‌های این پژوهش.

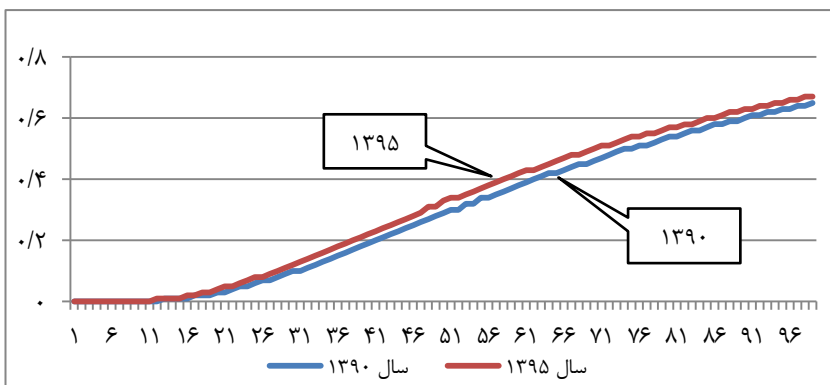
همان‌طور که مشاهده می‌شود، در سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۹۰ شاخص‌های فقر افزایش داشته که این به معنای افزایش فقر در جامعه است. این مقایسه و روند در حالی است که در محاسبات پیشین در سال ۱۳۹۵ همچنان یارانه‌های پرداختی در محاسبات در نظر گرفته شده است. به منظور بررسی دقیق‌تر وضعیت تأثیر پرداخت یارانه‌ها بر فقر و تغییرات آن در طول زمان از روش رتبه‌بندی توزیع‌ها به ازای خطوط فقر برابر با درصدی از میانگین جامعه استفاده می‌کنیم. در نمودار ۱، وضعیت دو دوره زمانی در سال‌های ۱۳۸۸ (آخرین سال پیش از اجرای طرح پرداخت یارانه‌ها) و سال ۱۳۹۰ مقایسه شده است.

نمودار ۱. برتری تصادفی مرتبه اول در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۹۰



مشاهده می‌شود که منحنی تابع توزیع سال ۱۳۸۸ در بالای منحنی سال ۱۳۹۰ قرار داشته، بنابراین، به ازای تمام خطوط فقر که بر اساس درصدی از میانگین درآمد جامعه تعریف می‌شود، شرایط برتری تصادفی مرتبه اول برقرار است. به بیان دیگر، می‌توان بیان کرد که سیاست پرداخت یارانه‌ها در سال ۱۳۹۰ موجب کاهش فقر در مقایسه با سال ۱۳۸۸ شده است. در نمودار ۲، به مقایسه‌ای مشابه بین سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ می‌پردازیم.

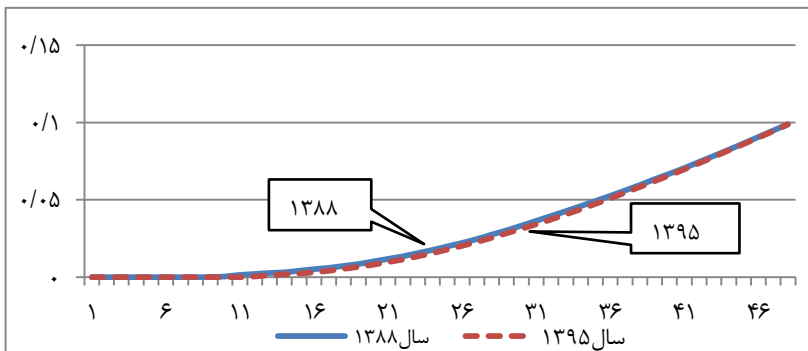
نمودار ۲. برتری تصادفی اول در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵



می‌توان ملاحظه کرد که منحنی تابع توزیع سال ۱۳۹۵ در بالای منحنی سال ۱۳۹۰ قرار دارد. این به آن معناست که شرایط برتری تصادفی مرتبه اول توزیع سال ۱۳۹۰ در مقایسه با سال

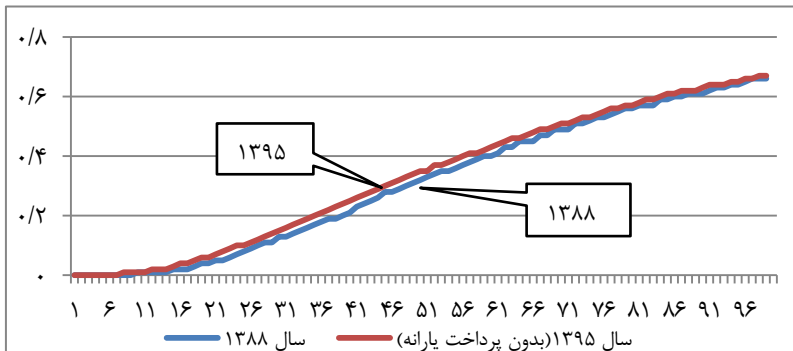
۱۳۹۵ برقرار است. بر این اساس و به ازای تمام خطوط فقری که بر حسب درصدی از میانگین جامعه تعریف می‌شود، توزیع سال ۱۳۹۵ به‌رغم استمرار در پرداخت یارانه‌ها، فقر بیشتری را در مقایسه با سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد. مقایسه و بررسی منحنی‌های سال ۱۳۹۵ و سال ۱۳۸۸ احراز شرایط رتبه‌بندی مرتبه اول را نشان نمی‌دهد. برای انجام این مقایسه از شرط برتری تصادفی مرتبه دوم استفاده می‌کنیم. این بررسی در منحنی ۳، ارائه شده است.

نمودار ۳. برتری تصادفی مرتبه دوم در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۹۵ (بدون یارانه)



با بررسی این شرایط می‌توان اظهار کرد که به ازای تمام خطوط فقر تا پنجاه درصد میانگین جامعه توزیع سال ۱۳۹۵ دارای برتری تصادفی مرتبه دوم نسبت به سال ۱۳۸۸ است. در نمودار ۴، شرایط سال ۱۳۸۸ و ۱۳۹۵ با فرض عدم پرداخت یارانه مقایسه شده است.

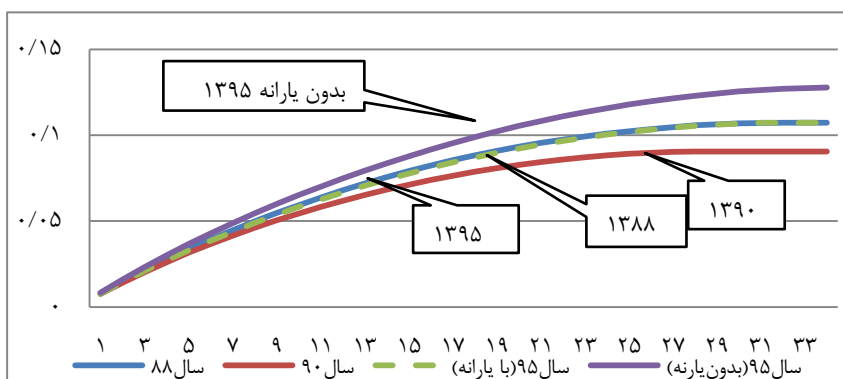
نمودار ۴. برتری تصادفی مرتبه اول در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۹۵ (بدون یارانه)



نتایج به دست آمده، برتری مرتبه اول سال ۱۳۸۸ نسبت به توزیع در سال ۱۳۹۵ را نشان می‌دهد. این به آن معناست که در صورت عدم پرداخت یارانه وضعیت فقر در سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۸۸ شرایط نامساعدتری دارد.

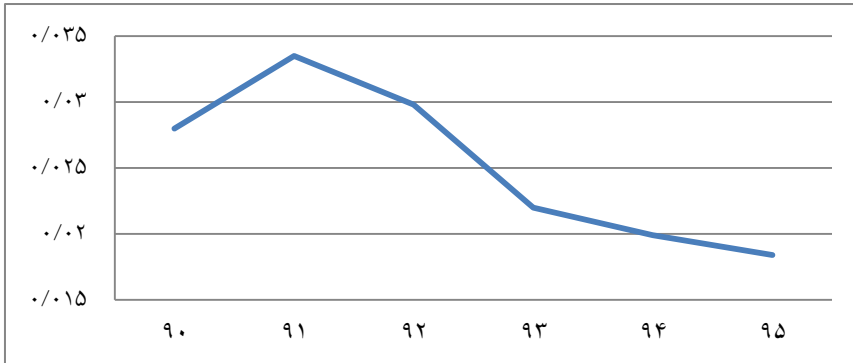
در ادامه، به ملاحظه و بررسی منحنی TIP می‌پردازیم. همان‌طور که اشاره شد، با استفاده از این منحنی می‌توان به مقایسه وضعیت فقر در طول زمان و یا بین جوامع مختلف پرداخت. در نمودار ۵، منحنی TIP برای سال‌های ۱۳۸۸، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ در دو نگارش وضعیت جاری و شرایط عدم پرداخت یارانه‌ها ترسیم شده است.

نمودار ۵. منحنی TIP در سال‌های ۱۳۸۸، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵



ملاحظه می‌شود که منحنی TIP سال ۱۳۹۰ در پایین‌ترین بخش منحنی‌ها قرار گرفته است. این نتیجه نشان‌دهنده کاهش فقر در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال ۱۳۸۸ و سال ۱۳۹۵ است. در این خصوص، ملاحظه می‌شود که منحنی TIP سال ۱۳۸۸ و سال ۱۳۹۵ بالاتر از منحنی سال ۱۳۹۰ بوده، همچنین، تفاوت قابل ملاحظه‌ای در خصوص منحنی‌های این دو دوره قابل مشاهده نیست. منحنی سال ۱۳۹۵ بدون پرداخت یارانه بالاترین منحنی ترسیم شده است که می‌توان استنباط درجه فقر بیشتری را با فرض عدم پرداخت یارانه‌ها داشت. بررسی موضوع اثرات توزیعی پرداخت یارانه‌ها با ملاحظه رابطه شماره ۱۱ در نمودار ۶، ارائه شده است.

نمودار ۶. منحنی تغییرات اثرات توزیعی در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵



می‌توان مشاهده کرد که اثر اعمال سیاست پرداخت مستقیم یارانه‌ها بر ضریب جینی در طول زمان روندی کاهشی دارد. این به آن معناست که تأثیر مثبت این پرداخت بر روی نابرابری در توزیع درآمد در طول زمان در حال خنثی شدن است.

#### ۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

موضوع اصلی این پژوهش، بررسی اثربخشی پرداخت مستقیم یارانه‌ها بر فقر است. در این مقاله و در بخش دوم درباره تجربیات کشورهای دیگر در خصوص پرداخت مستقیم یارانه‌ها و نیز برخی از پژوهش‌های کاربردی انجام‌شده در مورد اجرای این سیاست در ایران، مواردی مطرح شد. سپس، با ارائه تصویری از ادبیات پژوهش در بخش سوم، به محاسبه شاخص‌های فقر و مطالعه روش‌های ترتیبی در دوره اجرا در بخش چهارم پرداختیم. بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان جمع‌بندی زیر را ارائه کرد:

۱. چگونگی توزیع خانوارهای دریافت‌کننده یارانه‌ها نشان می‌دهد که خانوارها در تمام دهک‌های درآمدی صرف‌نظر از سال‌های اخیر اعمال این سیاست تقریباً و به‌طور یکسان از یارانه‌های نقدی بهره‌مند شده‌اند.
۲. سهم یارانه‌ها در هزینه‌های خانوارهای کم‌درآمد در ابتدای دوره پرداخت یارانه‌ها بالا بوده که در طول زمان این سهم متأثر از وجود تورم بالا در مقاطعی از دوره اجرای این سیاست

روندی کاهشی داشته است. بدیهی است که این سهم در دهک‌های پردرآمد کمتر است. گفتنی است در طول زمان این سهم ناچیز برای این گروه‌های درآمدی با روندی نزولی بسیار ناچیزتر شده است.

۳. وجود تورم بالا در مقاطعی از دوره اجرای این سیاست موجب کاهش ارزش واقعی یارانه‌ها شده است.

۴. محاسبه شاخص‌های عددی FGT، CHU و SST حاکی از افزایش فقر در جامعه در سال ۱۳۹۵ در مقایسه با سال ۱۳۹۰ است.

۵. مقایسه روش‌های ترتیبی برتری تصادفی مرتبه اول و دوم و منحنی TIP نشان‌دهنده درجات بالاتری از فقر در سال ۱۳۹۵ در مقایسه با سال ۱۳۹۰ است.

۶. وضعیت فقر در جامعه به‌رغم پرداخت یارانه‌های نقدی در سال ۱۳۹۵ با سال ۱۳۸۸ تفاوت چندانی ندارد.

۷. پرداخت نقدی یارانه‌ها موجب کاهش ضریب جینی و بهبود توزیع درآمد در سال‌های اجرای طرح شده است؛ نکته قابل توجه در این خصوص، روند و نرخ کاهشی این تأثیر است.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اعمال سیاست پرداخت نقدی یارانه‌ها در سال ۱۳۹۰ موجب کاهش فقر و نابرابری توزیع درآمدها در جامعه شده است؛ اما این سیاست در طول زمان اثرات مطلوب خود را از دست داده است، به‌طوری که در سال ۱۳۹۵ به‌رغم تداوم سیاست پرداخت نقدی یارانه‌ها، شاهد فقری به مراتب بیشتر از سال ۱۳۹۰ هستیم. در این خصوص شرایط شاخص‌های فقر در سال ۱۳۹۵ و سال ۱۳۸۸ (دوره پیش از اجرای این سیاست) قابل مقایسه است. شایان توجه است که در صورت عدم پرداخت یارانه‌ها بروز وضعیت و شرایطی نامساعدتر نسبت به دوره پیش از اجرای این سیاست دور از ذهن نیست. بر این اساس، ادامه سیاست پرداخت یارانه‌ها بر مبنای فرآیندهای جاری موجب اتلاف منابع شده و کاهشی ساختاری در رفع فقر و محرومیت محسوب نمی‌شود؛ بنابراین، لازم است اصلاحی اساسی در شیوه اجرا و بازطراحی این سیاست انجام شود.

در این خصوص، توصیه‌های زیر به‌منظور سیاست‌گذاری پیشنهاد می‌شود:

۱. سیاست پرداخت یارانه‌ها صرفاً به گروه‌های فقیر و کم‌درآمد جامعه محدود شده و به گروه‌های غنی و ثروتمند پرداخت مستقیم یارانه انجام نشود. بدیهی است برای اجرای این مهم لازم است شناسایی دقیق از خانوارهای فقیر جامعه انجام شده و بانک اطلاعاتی به‌هنگام و پویا در این خصوص طراحی و ایجاد شود.
۲. کنترل تورم به عنوان عاملی که موجب کاهش قدرت خرید یارانه‌ها می‌شود، مورد توجه قرار گیرد.
۳. اصلاح سیاست پرداخت یارانه‌ها به سمت و سوی شناسایی دقیق نیازهای اصلی خانوارهای فقیر و ارضای آن بوده و توانمندسازی افراد فقیر مورد توجه قرار گیرد. بر این اساس، لازم است یارانه‌ها به‌صورت هدفمند به‌منظور اصلاح و پوشش هزینه‌های ضروری و صرفاً به خانوارهای فقیر و به‌صورت مشروط پرداخت شود. بنابراین، سیاست پرداخت غیرمشروط یارانه‌ها که در حال حاضر اجرا می‌شود، با روش پرداخت مشروط و هدفمند یارانه‌ها جایگزین شود.

## منابع

- انصاری، وحیده و سلامی، حبیب‌اله. (۱۳۹۳). تخصیص درآمدهای حاصل از طرح هدفمندی یارانه‌ها به بخش‌های تولیدی: پیامدهای توزیع درآمدی گزینه‌های مختلف برای خانوارهای ایرانی. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار). سال چهاردهم. شماره دوم. تابستان ۱۳۹۳، صص ۲۰۳-۱۷۹.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. بودجه خانوار سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۸۸.
- پیرایی، خسرو و سیف، بهروز. (۱۳۸۹). تأثیر هدفمندسازی یارانه‌ها بر رفاه اجتماعی در ایران. پژوهشنامه مالیات. شماره نهم. مسلسل ۵۷.
- دادگر، یداله و نظری، روح اله. (۱۳۹۰). تحلیل رفاهی سیاست‌های یارانه‌ها در اقتصادی ایران. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی. شماره ۴۲. صص ۳۸۰-۳۳۷.
- راغفر، حسین و سرخه دهی، فاطمه. (۱۳۹۰). شناسایی خانوارهای نیازمند در طرح هدفمندکردن یارانه‌ها با وجود نابرابری اطلاعاتی. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی. شماره ۴۳.
- شهنازی، روح‌اله؛ شهسوار، محمدرضا و مبشری، محمدحسین. (۱۳۹۳). توزیع درآمد و وضعیت رفاه خانوارها قبل و بعد از هدفمندی یارانه‌ها در استان فارس. فصلنامه علمی، پژوهشی رفاه اجتماعی. سال چهارم. شماره ۵۴.
- عیسی‌وند، توصیه‌نام. (۱۳۹۴). بررسی علل شکست سیاست هدفمندسازی یارانه‌ها در ایران. دانشنامه حقوق و سیاست. شماره ۲۳. بهار ۱۳۹۴.
- فطرس، محمد حسن و شهبازی، فاطمه. (۱۳۹۳). بررسی تحرک درآمدی در ایران طی سال‌های پیش و پس از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌های نقدی ۱۳۹۲-۱۳۶۴. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اقتصادی کاربردی ایران. شماره ۱۲. صص ۲۰۱-۱۸۳.
- مؤمنی، فرشاد. (۱۳۹۴). واکاوی یک تجربه مهم علمی در عرصه سیاستگذاری عمومی: هدفمندی یارانه‌ها. فصلنامه سیاستگذاری عمومی. شماره ۱. صص ۱۰۵-۸۹.



- Adams, E. Maslove, A. (2009). Innovations in Transfer Payments to Local Governments: The Case of the Gas Tax Found. CURE.
- Atkinson, A. (1987). On the Measurement of Poverty. *Econometrical* / No. 55., PP. 244-263.
- Calrk, S. Hemming, R. Ulph, D. (1981). On Indicies for the Measurement of Poverty. *Economic Journal*. No. 91
- Demirkol, O. Biotevogel, R. Zytek, R. Zimand, P. Liu, Y. (2014). Islamic Republic of Iran Selected Issue. IMF. No. 14/94.
- Elain, Fultz, Francis, John. (2013). Cash Transfer Programmes, Poverty Reduction and Empowerment of Women: A Compatatiue Analysis. ILO. 4/2013.
- Esmaeili, A. Karami, A. Najafi, B. (2013). Welfare Effects of Alternatiue Targeted Food Subsidy Programs in Iran. *Food Security*. Vol 5. PP. 451-456.
- Fiszbein, A. Schady, N. (2009). Conditional Cash Transfers Reducing Present and Future Poverty. WORD BANK. Washington DC
- Foster, J. Greer, J. Thorbeke, E. (1984). A Calss of Decompose Poverty Measures. *Econometrica*. No. 52, PP. 761-766.
- Foster, J. Shrorroks, S. (1988 b). Poverty Orderings. *Econometrica* No. 56, PP. 173-177.
- Guillaume, D. Zytek, R. Farzin, M. (2011). Iran. The Chronicles of Subsidy Reform. IMF. WP/11/167.
- Haushore, J. Shapiro. J. (2016). The Short Term Inpact of Unconditional Cash Transfers to the Poor: Experimental Evidence From Kenia. *The Quarterly Journal of Economics*. Vol. 131.
- Jenkins, S. Lambert, P. .(1993). Ranking Income Distributions When Deeds Differ. *Review of Income and Wealth*. No. 39, PP. 337-356.
- Jenkins, S. Lambert, P. (1988 b). Ranking Poverty Gap Distributions: Further TIP, for Poverty Analysis. *Research on Economic Inequality*. JAL Press, PP. 31-38.

- Jenkins, S. Lambert, P. (1998 a). Three I's of Poverty Carres and Poverty Dominance: TIPs for Poverty Analysis. Research on Economic Inequality. JAL Press. PP. 39-56.
- Kakwani. (1977b). Measurement of Progressivity: An International Comparison. The Economic Journal. 87. PP.71-80.
- Kakwani .(1984). On the Measurement of Tax Progressivity and Redistributive Effect of Tones With Applications to Horizontal and Vertical Equality. Advances in Econometrics. 3. PP.149-168.
- Maghsoudi,N. Tohidy. F. (2012). Targeting Subsidies Considering the Applied Models in Iran. International Journal of Business and Social Science. Vol. 3, No. 7.
- Meskoub, F. (2015). Cash Transfer as a Social Policy Instrument or a Tool of Adjustment Policy: from Indirect Subsidies (Energy and Utilities) to Cash subsidies in Iran, 2010-2014. International Institute of Social Studies. No 610.
- Ozgar, D. Zimand, P. (2014). Islamic Republic of IRAN Selected Issues Paper. IMF Country Report. No. 14/94.
- Salehi, Isfahani, D. Stucki, B. Deutschmann, J. (2015). The Reform of Energy Subsidies in Iran: The Role of Cash Transfers. Emerging Markets Finance and Trade. Vol 5.
- Sdralerich, C. Sab. R. Zouhary, Y. Albertin, G. (2014). Subsidy Reform in Middle East and North Africa. IMF.
- Sen, A. (1976). Poverty: An Ordinal Approach to Measurement. Econometrica. 44. PP. 219-231.
- Shorroks, A. (1983). Ranking Income Distributions. Economertica. 50. PP. 3-17.
- Tabatabai, H. (2012). From Price Subsidies to Basic Income. The Iran Model and Its Lessons. Exporting Alaslya Model. PP. 17-32.
- Son, H. (2008). Conditional Cash Transfer Programs: An Effective Tools for Poverty Alleviation? ADB. No. 51.

- Thon. (1979). On Measuring Poverty Poverty. Review of Income and Wealth. 25. PP. 429-440.
- -Watts. (1968). An Economic Deficition of Poverty in Understanding Poverty. NewYork. BasicBooks.
- XU, Kuan. Osberg. Lars. (2000). Index Decomposition and Bootstrap Inference. The Journal of Human Resources. Vol. 35. No. 1.
- Zheng, B. (2000). Poverty Orderings: A Graphical Illustration. Social Choice and Welfare.
- Zheng, B. (1997). Aggregate Poverty Measures. Journal of Economic Survey. Vol. 11.